

زیر پوست

خوانشی روانکاوانه از دست کاری بدن

الساندرا لما

ترجمه‌ی محمد پویا



کتابستان
برخط

■ سرشناسه: لما، الساندر، ۱۹۶۵-م. 1965, Alessandra, Lemma- عنوان و نام پدیدآور: زیر پوست: خوانشی روانکاوانه از دستکاری بدن/الساندرا لما؛ ترجمه‌ی محمد پویا؛ ویراستار علمی مریم اصل ذاکر. ■ مشخصات نشر: تهران: کتابستان بر خط، ۱۴۰۳. ■ مشخصات ظاهری: ص: ۱۴/۵× ۲۱/۵ س.م. ■ شابک: ۹۷۸ ۶۳۲ ۸۷۸۴۷ ۷ ۹ ■ وضعیت فهرست نویسی: فیبا؛ یادداشت: عنوان اصلی: Under the skin: a psychoanalytic study of body modification, 2010. ■ عنوان دیگر: خوانشی روانکاوانه از دستکاری بدن. ■ عنوان دیگر: روانشناسی پوست: مطالعه روانکاوانه دستکاری بدن. ■ موضوع: خالکوبی -- جنبه‌های روانشناسی Tattooing -- Psychological aspects سوراخ کردن بدن -- جنبه‌های روان‌شناسی Body piercing -- Psychological aspects آرایش دائمی - جنبه‌های روان‌شناسی Permanent makeup -- Psychological aspects نشانه‌گذاری بدن -- جنبه‌های روان‌شناسی Body marking -- Psychological aspects روان‌کاوی Psychoanalysis ■ شناسه افزوده: پویا، محمد، ۱۳۷۰-، مترجم ■ شناسه افزوده: اصل ذاکر، مریم، ۱۳۶۰-، ویراستار ■ رده‌بندی کنگره: GT۲۳۴۵ ■ رده‌بندی دیویی: ۳۹۱/۶۵ ■ شماره کتاب‌شناسی ملی: ۱۰۰۸۰۸۷۰

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر محفوظ است.

هرگونه اقتباس از این اثر منوط به اجازه‌ی کتبی از ناشر است.

کتابستان برخط: ناشر تخصصی روان‌کاوی و علوم اجتماعی.



خواندنی‌هاکم نیست، با برخط بخوانید...

زیر پوست خوانشی روانکاوانه از دستکاری بدن

چاپ نقشینه	الساندرا لما
چاپ اول: ۱۴۰۴، ۵۰۰ نسخه	مترجم: محمد پویا
شابک: ۹۷۸ ۶۳۲ ۸۷۸۴۷ ۷ ۹	ویراستار علمی: مریم اصل ذاکر
قیمت: ۴۵۰۰۰۰ تومان	ویراستار و دبیر مجموعه: فروغ ادریسی
انتشارات کتابستان برخط	مدیر هنری: اونیش امین الهی
barkhatbook.com	طرح جلد و گرافیک: محسن زینالی

تهران، خیابان مطهری، میرزای شیرازی، کوچه‌ی عرفان، پ ۹، واحد ۶

دفتر نشر: ۰۲۱۸۸۵۵۱۳۰۹



BARKHATBOOK.COM

Telegram and Instagram:

@Barkhatbook

فهرست مطالب

مقدمه‌ی ویراستار / ۵

مقدمه: بدن به مثابه‌ی بوم نقاشی / ۹

فصل ۱: همان‌طور که مرا می‌خواهی / ۴۵

فصل ۲: نشانگان زشتی / ۶۹

فصل ۳: آینه‌ها / ۸۹

فصل ۴: دیده شدن یا زیر نظر بودن / ۱۱۵

فصل ۵: قلمروهای اِشغال شده و بخش‌های بیگانه / ۱۴۳

فصل ۶: کپی‌های بدون اصل / ۱۷۳

فصل ۷: بوتاکس تجربه / ۱۹۹

فصل ۸: جوهر، حفره‌ها و زخم‌ها / ۲۲۵

نتیجه‌گیری: نظامی برپایه‌ی تصمیم ناب / ۲۶۱

نمایه / ۲۷۱

منابع / ۲۷۹

مقدمه‌ی ویراستار

بدن انسان هرگز امری ایستا و ثابت نبوده است. برخلاف تصور رایج که بدن را همچون موجودیتی طبیعی و از پیش تعیین شده می‌داند، تجربه‌ی بدن‌مندی در انسان همواره در حال شکل‌گیری و دگرگونی است. بدن نه تنها عرصه‌ی آشکار هویت فردی، بلکه محل نزاع‌های پیچیده‌ی روانی و اجتماعی است. تغییرات بدنی -از خالکوبی و پیرسینگ گرفته تا جراحی‌های زیبایی و دگرگونی‌های افراطی- بیانگر رابطه‌ی پویای انسان با بدن خویش است؛ رابطه‌ای که در آن میل، هویت، و ناخودآگاه به شکلی محسوس بر سطح بدن حک می‌شوند.

در دهه‌های اخیر، تغییرات بدن در آشکال گوناگون دیگر پدیده‌ای نادر محسوب نمی‌شوند. در سراسر جهان، شمار افرادی که بدن خود را دگرگون کرده‌اند به‌طور مداوم افزایش یافته است. هرچند این روند به دلیل فراگیر شدن تغییرات بدنی به سطحی از اشباع رسیده، اما همین امر باعث شده است که برخی افراد به تغییرات افراطی‌تری روی بیاورند. این تغییرات معمولاً با پیامدهای جدی از جمله خطرات بالای جسمانی و روان‌شناختی، فرآیندهای طولانی بهبود، انگ اجتماعی، درد، تغییرات دائمی در بدن، و هزینه‌های مالی قابل توجه همراه هستند.

موضوع تغییرات بدن همواره یکی از مباحث محوری در روانکاوی بوده است. بدن، به مثابه‌ی صحنه‌ای که بر آن میل‌ها، فانتزی‌ها و تعارض‌های ناخودآگاه نقش می‌بندند، همواره در معرض دگرگونی است. اما در جهان معاصر، این تغییرات دیگر تنها در سطح روانی رخ نمی‌دهند، بلکه به‌طور فزاینده‌ای در بستر فناوری، پزشکی، و فشارهای اجتماعی بازتعریف می‌شوند. الساندرالما در کتاب زیر پوست به این پیچیدگی‌ها می‌پردازد و از منظر روانکاوی ابژه‌ای، نظریه‌ی لکان، و مطالعات معاصر،

تصویری چندوجهی از تغییرات بدن ارائه می‌دهد.

این کتاب که بسیاری آن را مهم‌ترین اثر لما در حوزه روانکاوی بدن می‌دانند، به‌ویژه از این جهت برجسته است که نه تنها به بررسی انگیزه‌های فردی تغییرات بدن می‌پردازد، بلکه آن‌ها را در بستر تحولات فرهنگی و اجتماعی نیز تحلیل می‌کند. لما در این اثر نشان می‌دهد که چنین تغییراتی فقط ابراز هویت یا زیبایی‌شناسی نیستند؛ بلکه پاسخی به تعارضات درونی و فانتزی‌های ناخودآگاه هستند. او با استفاده از تجربیات بالینی و تحلیل نمونه‌های واقعی، روشن می‌کند که چگونه بدن به صحنه‌ای برای نمایش اضطراب‌های درونی و میل به تغییر یا منحصربه‌فرد بودن تبدیل می‌شود.

این کتاب نه تنها برای روانکاوان و درمانگران، بلکه برای طیف گسترده‌ای از خوانندگان سودمند است. این اثر می‌تواند برای پژوهشگران حوزه‌ی هویت، جامعه‌شناسان، پزشکان زیبایی، و حتی کسانی که شخصاً تجربه‌ی تغییرات بدنی داشته‌اند، بینش‌های ارزشمندی فراهم کند. همچنین، این کتاب به پرسش‌های بنیادینی درباره‌ی بدن و هویت پاسخ می‌دهد که فراتر از مرزهای تخصصی روانکاوی می‌رود و به دغدغه‌های فرهنگی و اجتماعی گسترده‌تری می‌پردازد.

در دوره‌های مختلفی که درباره‌ی ارتباط روانکاوی و بدن برگزار کرده‌ام، این کتاب همواره یکی از منابع کلیدی بوده است و توجه ویژه‌ای از سوی شرکت‌کنندگان دریافت کرده است. در میان علاقه‌مندان به ترجمه‌ی این اثر، آقای محمد پویا با اشتیاق مسئولیت این کار مهم را برعهده گرفتند. در این ترجمه، تلاش شده است که وفاداری به متن اصلی و انتقال دقیق دیدگاه‌های لما حفظ شود. مترجم با دقت و حساسیت ویژه‌ای به ترجمه مفاهیم پیچیده‌ی روانکاوی پرداخته است و هر جا که لازم بوده، توضیحاتی روشن‌گر در پاورقی ارائه کرده است تا خواننده بتواند ارتباط دقیق‌تری با مباحث برقرار کند. چنین ترجمه‌هایی در حوزه‌ی روانکاوی بدن، به‌ویژه در جامعه‌ی کنونی که تغییرات بدن با تنش‌های هویتی و فرهنگی گره خورده است، اهمیتی دوچندان دارند. امید است این اثر بتواند زمینه‌ی گفت‌وگو و تأمل بیشتری درباره‌ی پیوندهای میان بدن، هویت، و ناخودآگاه فراهم کند.

مریم اصل‌ذاکر

بهار ۱۴۰۴

کتاب زیر پوست از منظر روانکاوی، به انگیزه‌هایی که افراد را به انجام پیرسینگ، تتو، آرایش یا دیگر تغییرات وادار می‌کند می‌پردازد. بحث کتاب این است که درمانگرها چگونه می‌توانند افرادی که از نظر روانی نسبت به دست‌کاری بدن، فارغ از دردناک بودن یا نبودن آن، احساس ضرورت می‌کنند را درک کرده و به آن‌ها کمک کنند.

در این کتاب، الساندر لمای روانکاو، بر اساس تجربیات خود در اتاق مشاوره، فیلم‌ها، داستان‌ها، هنر و پژوهش‌های بالینی، این موضوع را مطرح می‌کند که انگیزه‌ی دست‌کاری افراطی بدن و توجه بیش‌ازحد به ظاهر، از دنیای درونی فرد، یعنی زیر پوست او نشأت می‌گیرد. موضوعات مورد بررسی در این کتاب شامل موارد زیر است:

- اختلال تصویر بدنی
 - اضطراب مربوط به ظاهر
 - اختلال بد ریخت‌انگاری بدن
 - کارکرد روانشناختی جراحی زیبایی، تتو، پیرسینگ و ایجاد زخم‌های عمدی.
- زیر پوست با بررسی فانتزی‌های ناآگاهی که زیربنای اصلاحات بدنی هستند، مطالعه‌ای دقیق از چالش‌های ناشی از طبیعت تجسم‌یافته‌ی ما ارائه می‌دهد. مطالعه‌ی این اثر به تمامی متخصصین بالینی از جمله روان‌درمانگران، مشاوران، روان‌پزشکان و روان‌شناسانی توصیه می‌شود که با افرادی کار می‌کنند که درگیر ظاهر خود هستند و دست به تغییر بدن خود می‌زنند.

الساندر لمای، روانکاو، روان‌شناس بالینی و عضو انجمن روانکاوای بریتانیا، عضو ارشد انجمن روان‌درمانگران بریتانیا و عضو وابسته انجمن روان‌شناسی بریتانیا است. او سرپرست واحد روان‌شناسی در بنیاد خدمات بهداشت ملی تاویستاک و پورتمن و استاد افتخاری روان‌درمانی در دانشکده علوم انسانی و بهداشت دانشگاه اسکس است. او در زمینه‌ی روان‌درمانی و روانکاوای آثار متعددی به چاپ رسانده است.

مقدمه:

بدن به مثابه‌ی بوم نقاشی

همه‌ی ما داستانی برای گفتن داریم، اما همیشه انتخاب نمی‌کنیم که آن را به زبان بیاوریم. با این حال، داستان‌هایی که از گفتنشان گریزی نیست، به ناچار از طریق بدنمان روایت می‌شوند.

زندگی تروماتیک دنی در نخستین سال‌های به دنیا آمدنش، با جوهر روی بدنش، روی بازوها، گردن و صورت او حک شده بود. در اتاق کوچکی از یک کانون اصلاح و تربیت، جایی که به مدت دو سال یکدیگر را ملاقات می‌کردیم، روبه‌روی من نشسته بود و به سختی می‌توانستم به او نگاه کنم. روی گونه‌ی چپش تتویی از یک جمجمه نقش بسته و حلقه‌ای از بینی‌اش رد کرده بود. ظاهرش در من این احساس را برمی‌انگیخت که ممکن است هر لحظه به من حمله‌ور شود. اما در پس این زرهی جوهری، جوانی وحشت‌زده را یافتم که دوران محکومیت خود را به جرم قتل غیر عمد می‌گذراند. او فقط پانزده سال داشت.

دنی فرزند والدینی بود که هر دو معتاد به مواد مخدر بودند و او از همان ابتدای زندگی، تجربیات ناخوشایند و خشونت‌آمیزی را پشت سر می‌گذاشت. پدرش پس از تولد او، بی‌هیچ ردی ناپدید شد و دنی به همراه مادر و خواهر و برادرانش در شرایط بسیار اسفناکی زندگی می‌کرد. مادرش از راه تن‌فروشی

هزینه‌ی زندگی‌شان را تأمین می‌کرد. دیری نگذشت که دنی نیز به سمت مواد مخدر، روابط جنسی و بزهکاری کشیده شد. بدنش هیچ مرزی نمی‌شناخت: از او به آشکال گوناگون جنسی و جسمی سوءاستفاده شده بود. بدنش هیچ ذهنی نداشت: برای تأمل در تجربیاتش ظرفیت بسیار پایینی داشت. او به شکلی مخرب از بدنش استفاده می‌کرد، زیرا هیچ‌کس نمی‌توانست درک کند که چقدر عصبانی و ترسیده است.

وقتی دنی به بلوغ رسید، به سرعت از نظر قد و توان بدنی رشد کرد و به جوانی درشت و ترسناک تبدیل شد. بسیاری از فانتزی‌های خشونت‌آمیز او نسبت به مادرش، دیگر در محدودیت‌های فیزیکی دوران پیشابلوغ مهار نمی‌شدند. پس از یک درگیری شدید، مادرش را از بالای پله‌ها به پایین پرت کرد و این‌گونه او را گشت.

دنی به من گفت که در حدود سیزده سالگی به شدت به پُر کردن بدنش با تتو و پیرسینگ علاقه‌مند شده است. تا زمانی که دستگیر شد، حداقل ۵۰ درصد از بدنش با جوهر پوشیده شده بود. دست‌کاری سطح بدن برایش به نوعی اعتیاد تبدیل شده بود؛ او مدام به دنبال تغییر و دگرگونی بود و به همان اندازه به نتیجه‌ی ظاهری آن اهمیت می‌داد. هر تتو یا پیرسینگ، مهر شخصی او بر بدنش بود. کاوش‌های مادر زمینه‌ی میل او به نشانه‌گذاری روی بدنش کمک کرد تا بفهمم که برای دنی این تنها راهی بود که می‌توانست احساس کند بدنش متعلق به اوست. این تلاشی برای بازپس‌گیری بدنش بود؛ راهی برای بازگرداندن حسی از خود به عنوان یک شخصیت مستقل. او می‌خواست با هر تتو، نفرتی که در بدنش تجربه می‌کرد را پاک کند. این امر تنها از طریق هجوم عملی و دردآور به پوست ممکن بود. با تبدیل بدنش به یک بوم نقاشی، با تتوی کلمه‌ی «نفرت» «HATE» روی انگشتانش. آشکارا به دیگران نشان می‌داد که بهتر است او را تنها بگذارند.

دنی اولین نوجوانی بود که با او کار کردم. او به من آموخت که بدن از نظر روانی تا چه اندازه اهمیت دارد و چگونه چندپارگی و نفرت درونی می‌تواند از طریق تغییر ظاهر بدن مدیریت شود.

تمام تغییراتی که این کتاب درباره‌ی آن‌ها بحث می‌کند، مربوط به سطح بدن و بسیاری از آن‌ها مخصوص پوست هستند. باین حال، روایت‌هایی که در اتاق مشاوره و خارج از آن شنیده‌ام، نشان می‌دهند که انگیزه برای دست‌کاری گسترده در سطح بدن یا توجه بیش‌ازحد به ظاهر، ریشه در دنیای درونی فرد دارد؛ به تعبیری زیر پوست او.

به این نتیجه رسیده‌ام که نمونه‌های وسواسی‌تر و افراطی دست‌کاری بدن نشان‌دهنده‌ی دشواری در پذیرش این واقعیت اساسی زندگی است که ما نمی‌توانیم خودمان را به دنیا بیاوریم. این «حقیقت» به شکلی ملموس در بدن‌های ما احساس می‌شود. بدن، به هم‌پیوستگی ما را گواهی می‌دهد. هم‌پیکری مشترک مادر و نوزاد، که همه ما از آن متولد می‌شویم، مصداق فیزیکی وابستگی روانی است. پیدایش ما در این فضای فیزیکی مشترک هرگز یگانه نیست، چرا که بدن ما با تأثیر غیرقابل انکار (م)ادر^۱ شکل گرفته است. زمانی که وابستگی ما به دیگران نتواند با این احساس که چه کسی هستیم یکپارچه شود، تجربه‌ی ذهنی بدن همواره در معرض خطر خواهد بود. همان‌طور که در مورد دنی، مادرش و دیگران عملاً به بدن او نفوذ کردند.

احساس تجربه‌ی بودن-در-یک-بدن فقط وابسته به این نیست که آیا بدن ما در معرض خطر است یا نه، بلکه به این بستگی دارد که چقدر بدن ما را خواستنی یا خواستنی احساس می‌کنیم. اینکه مادر بدن ما را بیش‌ازحد خواستنی یا نه چندان خواستنی می‌بیند یا نه، نقشی عمیق بر رشد «خویش‌تن بدنی»^۲ می‌گذارد. من روی رابطه‌ی اولیه با مادر تأکید ویژه‌ای دارم. در مورد بیمارانی که در ادامه به آن‌ها می‌پردازم، خواهیم دید که مسیر حرکت از هم‌پیکری مشترک مادر و نوزاد و نسبت فراز و نشیب‌های رابطه‌ی او با بدن کودک و متعاقب آن، رسیدن به احساس خواستنی بودن و همزمان مجزا بودن، چه مسیری پرمخاطره‌ای است.

احساس زیبا یا زشت بودن اساساً به رابطه با یک «اُبژه» مربوط است. این امر برای یک روان‌درمانگر بدیهی به نظر می‌رسد اما برای افرادی که قرار است در ادامه

۱. در متن اصلی کتاب به زبان انگلیسی، به صورت mother (m) نوشته شده است، که ترکیبی است از واژه‌های mother (مادر) و other (دیگری). این ترکیب به قصد اشاره به همزمانی دو معنا در یک واژه استفاده شده است. در ترجمه‌ی فارسی، این کلمه به صورت (م)ادر نوشته شده تا حد امکان معنا و مقصود نویسنده را حفظ کند. (م)

توصیف‌شان کنم این دیدگاه ارتباطی به راحتی در دسترس نیست. نفرت از بدن که در این بیماران به‌وضوح قابل مشاهده است، بازتاب همانندسازی بدن با اُبژه‌ای منفور و یا اُبژه‌ای است که به‌عنوان منفور تجربه می‌شود. در این بیماران، ناگزیر با دشواری‌های قابل توجهی در جدایی از اُبژه‌ی اولیه‌ی میل، که اغلب مادر است، مواجه می‌شویم. فردی که باور دارد می‌تواند خود را خلق کند یا از طریق دست‌کاری سطح و شکل بدنش، آن را بازپس گیرد، این کار را برای قطع پیوندش با اُبژه یا خلق یک خویشتن آرمانی خیالی انجام می‌دهد تا بلکه در نهایت مورد عشق قرار گیرد.

البته، همه‌ی ما همواره با دو واقعیت اساسی دست‌وپنجه نرم می‌کنیم: ما موجوداتی درون یک بدن هستیم و همزمان سوژه‌هایی در معرض نگاه^۱ دیگری. در طول زندگی، این حقایق چالش‌های مستمری را به همراه دارند که ما را ملزم می‌کنند تا معنای بدن‌مندی خود را با ادراک مان از هویت خود ادغام کنیم. دغدغه‌ی من در این کتاب این است که چگونه برخی افراد، این دو واقعیت را به‌طور درونی و عمدتاً از طریق دست‌کاری سطح بدن با روش‌هایی همچون جراحی زیبایی، تتو، پیرسینگ و ایجاد زخم‌های عمدی، مدیریت می‌کنند.

برخی از این بیماران دچار اختلال بدریخت‌انگاری بدن^۲ هستند و به‌طور افراطی بر نقصی خیالی یا بسیار جزئی در ظاهرشان تمرکز دارند (فصل ۴). چند نفر از بیماران مورد بحث، با اینکه معیارهای تشخیصی بدریخت‌انگاری بدن را نداشتند، اما همچنان تعارضات ناآگاه خود را در سطح بدن نمایان ساخته و از طریق دست‌کاری بدن، راه‌حلی برای دردهای روانی پیدا می‌کردند. اگرچه برخی از بیماران مورد بحث من به‌شدت درگیر مسأله‌ی جذابیت خود بودند و دست‌کاری بدنی تلاشی برای دستیابی به‌شکل فیزیکی جذاب‌تر بود (فصول ۱، ۲، ۴ و ۷)، برخی دیگر بدن خود را به قصد بازپس‌گیری آن یا برای حمله‌ی بصری به دیگری با شکل تغییر یافته و گاه از ریخت‌افتاده دست‌کاری می‌کردند (فصول ۵، ۶، ۷ و ۸).

هدف اصلی من در این کتاب، به اشتراک گذاشتن ایده‌هایی درباره‌ی چگونگی درک افرادی است که برای آن‌ها دست‌کاری بدن از نظر روانی ضروری است، حتی اگر

1. gaze

2. Body Dysmorphic Disorder (BDD)

در این فرآیند خشونت زیادی علیه خویشتن فیزیکی خود اعمال کنند. آنچه این بیماران را متمایز می‌کند، میل اجبارآمیز آن‌ها به تغییر بدن است، چه در واقعیت و چه به عنوان یک فانتزی تسلی بخش در ذهنشان. در اینجا به افرادی که بدن خود را در خلال یک دوره‌ی روان‌پریشی حاد تغییر می‌دهند، اشاره نمی‌کنم. بیمارانی که در این کتاب توصیف خواهم کرد، به طور شدید روان‌پریش نبودند، اما از دیدگاه تحلیلی، می‌توان تصمیم آن‌ها برای دست‌کاری بدنشان را تحت تأثیر فرآیندهای روان‌پریشی در ذهنشان فهمید.

در ادبیات مربوط به این حوزه، مسأله‌ای که به طور مکرر مطرح می‌شود (و شاید بهتر است آن را یک تنش بدانیسم) میان کسانی است که تغییرات بدن را به عنوان «شکل بخشی»^۱ و کسانی که آن را به عنوان «بدشکل سازی»^۲ در نظر می‌گیرند (برین، ۱۹۷۸). میزان اینکه تصمیم به دست‌کاری بدن، گاه به شکلی بسیار افراطی، چقدر می‌تواند به عنوان خودتأییدی در نظر گرفته شود و نه خودتخریبی، نویسندگانی که درباره‌ی این موضوع نوشته‌اند را از هم متمایز می‌کند (مثلاً دیویس، ۱۹۹۵؛ پیتس، ۲۰۰۳؛ سندرز و ویل، ۲۰۰۸).

برخی از آثار جامعه‌شناختی در زمینه‌ی بدن به سمتی گرایش دارند که دست‌کاری بدن را به عنوان تلاش‌هایی برای بازپس‌گیری بدن از فرهنگی خصمانه یا بیگانه تفسیر کنند (به عنوان مثال، پیتس، ۲۰۰۳)، یا کسانی که این تغییرات را به عنوان تجلی معنویت می‌بینند (مانند موسی‌فر، ۱۹۹۶). بخشی از این آثار توسط افرادی نوشته شده که خودشان شخصاً در این تغییرات غرق شده‌اند (به عنوان مثال، دیملو، ۲۰۰۰) و در نتیجه متونی هرچند غنی، اما جانبدارانه ارائه کرده‌اند.

قاعداً تأکید من در اینجا روی وجود یک ذهن ناآگاه یا خشونت واقعی علیه بدن تحت عنوان مُد یا روشن‌گری معنوی نیست. نسبت دادن معانی فردی و ناآگاه به این اعمال، با قضاوت کردن در مورد آن‌ها یکسان نیست. علاوه بر این، نه مفید و نه ممکن است که به طور کلی، معنای این شیوه‌ها و کارکرد آن‌ها را تعمیم دهیم، زیرا انگیزه‌های زیربنایی تصمیم به دست‌کاری بدن پیچیده و متنوع هستند؛ در پس دست‌کاری

1. figuration

2. disfiguration

سطحی یکسان در بدن، ممکن است برای افراد مختلف اهداف متفاوتی نهفته باشد. اما وجه اشتراک آن‌ها در این است: از آنجا که بدن در بستر روابط اولیه‌ی ما با دیگران تحول می‌یابد (به فصل ۳ نگاه کنید)، دست کاری آن به‌طور اجتناب‌ناپذیری به کیفیت روابط درونی‌شده ارتباط دارد و بر روابط درونی و بیرونی تأثیر می‌گذارد.

در واقع، در مراحل خاصی از رشد، دست کاری بدن می‌تواند معنا و اهمیت ویژه‌ای پیدا کند و به‌عنوان راهی برای بیان هویت مستقل یا مانند تتو یا پیرسینگ در دوران نوجوانی، شیوه‌ای از اعتراض به اقتدار والدین باشد. بی‌راه نیست اگر بگوییم برای بسیاری از نوجوانان، این شیوه‌ها میانجی کمک‌کننده‌ای برای حل و فصل برخی تعارضات خاص فراهم می‌کنند. البته تا زمانی که این رفتارها به حالت اجبارآمیز بدل نشوند. رفتارهایی که می‌توانند برای ابراز تعارضات مربوط به مالکیت بدن، کانال‌های معناداری باشند. مسیرهایی که فرهنگ عامه نیز تاحدی آن‌ها را عادی سازی کرده است. در زمینه‌های خاص، می‌توان این رفتارها را بیشتر به‌عنوان بازتاب مرحله‌ی گذرا در نظر گرفت که همزمان به‌عنوان راه‌هایی برای حل و فصل تعارضات درونی به کار گرفته می‌شوند. اما این اعمال لزوماً نمایانگر یک عملکرد پایدار، مرکزی و سازمان‌دهنده در اقتصاد روانی فرد نیستند.

بین آن نوع از دست کاری بدن که تلاشی برای آراستن یا «شکل دادن» آن است (برین، ۱۹۷۸)، با آن دسته از تغییرات بدنی که ممکن است در نام زیبایی یا پیوستگی اجتماعی انجام شوند، تفاوتی وجود دارد؛ اما در واقع تحت تأثیر وضعیت ذهنی ناامیدانه‌تر و یا خشونت‌آمیزتر نسبت به خویشتن و آبه‌ه هستند. کسی که در دوران نوجوانی یک یا دو تتو به همراه دوستانش انجام می‌دهد، نسبت به کسی که هر ماه به سالن تتو می‌رود و ساعت‌ها وقتش را به انجام آیین‌های مراقبتی کوتاه‌مدت مربوط به تتو اختصاص می‌دهد، در وضعیت ذهنی کاملاً متفاوتی قرار دارد. این تفاوت تنها کمتی نیست یا لزوماً به روش خاصی که برای دست کاری بدن به کار رفته، مربوط نمی‌شود، اگرچه میزان آسیبی که به بدن وارد می‌شود، جنبه‌ی مهمی از این موضوع به شمار می‌رود. این تفاوت همچنین بر اساس فانتزی ناآگاه زیربنایی نیز تعریف نمی‌شود. به‌عنوان مثال، برای برخی از افرادی که جراحی زیبایی انجام می‌دهند، فانتزی «خالق خود بودن» یک عنصر کلیدی است. همان‌طور که در ادامه توضیح

خواهم داد، این فانتزی احتمالاً در مقطعی از زندگی برای همه ما وجود داشته است. تفاوت اصلی در این است که تلاش برای دست‌کاری بدن تا چه حد برای فرد ضروری و اجبارآمیز می‌شود و این‌که تا چه اندازه این فانتزی ناآگاه به نیرویی چیره‌گر بدل می‌شود که در غیاب تحقق آن، احساس هویت فرد دچار فروپاشی می‌شود.

درک فانتزی ناآگاه غالب که پشت این تلاش‌ها در راستای دست‌کاری بدن نهفته است، برای کمک به این بیماران ضروری است. چندین فصل (از فصل ۲ به بعد) به بررسی فانتزی‌های خاص اختصاص یافته است. من سه فانتزی ناآگاه را که در میان بیمارانم مشاهده کرده‌ام، شرح خواهم داد (اگرچه احتمالاً فانتزی‌های دیگری نیز وجود دارند). برای افرادی که تغییرات بدنی برایشان به مسأله‌ای اجبارآمیز تبدیل شده است، این فانتزی‌ها برای حفظ تعادل روانی آن‌ها ضروری به نظر می‌رسند: فانتزی بازپس‌گیری^۱ (فصول ۴، ۵ و ۸)، فانتزی خودساخته^۲ (فصول ۴، ۶، ۷ و ۸) و فانتزی تطابق کامل^۳ (فصول ۱، ۴ و ۷).

در فانتزی بازپس‌گیری، به نظر می‌رسد که دست‌کاری بدن به عنوان راهی برای نجات خود از حضور بیگانه‌هایی که اکنون در بدن احساس می‌شود، عمل می‌کند. این فانتزی به بیرون‌راندن اُبژه‌ای اشاره دارد که بدن آن را بیگانه یا آلوده می‌بیند. در فانتزی تطابق کامل، دست‌کاری بدن با هدف ساختن بدنی ایدئال انجام می‌شود که در نتیجه‌ی آن، عشق و میل دیگری تضمین خواهد شد. درحالی‌که فانتزی تطابق کامل به اتحاد با اُبژه‌ای ایدئال مربوط است، فانتزی خودساخته به حمله‌ای رشک‌آمیز به اُبژه اشاره دارد. در اینجا استقلال اُبژه غیرقابل تحمل است و شکایت عمیق از اُبژه، رشک را تقویت می‌کند. فرد در این فانتزی باور دارد که می‌تواند خود را خلق کند و از این طریق، اُبژه را کنار می‌زند و هرگونه تجربه‌ی وابستگی را نادیده می‌گیرد.

این فانتزی‌ها نشان می‌دهند که چگونه بدن هم به عنوان محتوای فانتزی عمل می‌کند و هم به عنوان بوم نقاشی‌ای که این فانتزی‌ها روی آن به اجرا درمی‌آیند (برونشتاین، ۲۰۰۹). این فانتزی‌ها تلاشی برای توضیح و شکل‌دهی به درک کنونی من از

1. reclaiming phantasy

2. self-made phantasy

3. perfect match phantasy